

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین مقاله نویسی IEEE و ISI ویژه فنی و مهندسی

## تربیت جنسی از منظر اسلام

زینب سنجولی

عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، ایران  
zsanchooli@yahoo.com

### چکیده

تربیت جنسی در اسلام، بر جهان بینی اسلام درباره ماهیت انسان و رابطه او با خالق مبتنی است. اسلام، انگیزه های جسمانی را انکار نکرده و خواهان سرکوب آن نیست؛ اما با آزادی بی قید و بند آن نیز موافقت نمی کند؛ بلکه جهت و بستر ارضای انگیزه را به صورتی کنترل شده و روش مند تعیین می کند. بدون تردید، بخشی از موفقیت ها و کامیابی های بشر در گرو تربیت جنسی است؛ چرا که تکامل و تعالی انسان، بسته به تربیت و خودسازی در همه ابعاد وجود اوست و غریزه جنسی، یکی از این ابعاد است. ارضای غریزه جنسی در هر جامعه و مکتبی، دارای چارچوب و اصولی است که رعایت آن ها لازم است؛ لذا، هر مکتبی که ادعای تأمین سعادت بشر را دارد، باید برای غریزه جنسی، برنامه داشته باشد و پاسخ روشنی به آن دهد. نگاه صحیح و واقع بینانه به غریزه جنسی و ارضاء آن، هدایت و جهت دهی آن، عاملی در جهت تکمیل تکامل و سعادت فرد و راهکاری برای اصلاح، ارتقاء معنوی، آرامش و آسایش جامعه بشری است؛ در حالیکه، غفلت از تربیت جنسی، بهداشت و سلامت روانی فرد و جامعه را به خطر انداخته و به نابودی می انجامد.

**واژگان کلیدی:** غریزه جنسی، مبانی تربیت، اصول تربیت و تربیت جنسی.

## ۱- مقدمه

تربیت جنسی، ارائه یک سلسله اطلاعات ضروری روانشناختی، جسمانی و دینی، درباره مسائل جنسی مربوط به هر فرد و نیز ارائه اطلاعات و آگاهی هایی به فرد در زمینه آشنایی بیشتر با خصوصیات جنس مخالف است. در تربیت جنسی، افراد مسن تر اجتماع یا آنهایی که بیشتر در رابطه با مسائل جنسی، اطلاعات و معلومات دارند، با افرادی که کمتر یا اصلاً در این رابطه رشدی ندارند، برخورد می کنند تا رشد بیشتری در آنها به وجود آورند. و از این راه، به پیشرفت زندگی انسانی از نظر مسائل و برخوردهای جنسی کمک کنند. (دوایی و بنی سی، ۱۳۸۴)

از آنجایی که اسلام، دینی است که به همه جوانب زندگی انسان توجه دارد؛ لذا تربیت جنسی نیز از نظر اسلام دور نمانده است و بزرگان ائمه و قرآن، راهکارهایی را برای تربیت جنسی ارائه کرده اند. آموزه های دینی، مسائل جنسی را مورد بررسی قرار داده و با پرورش استعدادها و افراد جامعه، کمک شایانی را به ارتقای سطح سلامت و تحقق اهداف عالی تعلیم و تربیت کرده است و از انحرافات جنسی جلوگیری نموده است. هدف اصلی از تربیت جنسی، قرب الهی است. فرد زمانی که از فشار غریزه جنسی در امان باشد می تواند با خیالی آسوده به تفکر و عبادات بپردازد.

موضوع تربیت جنسی، غریزه جنسی است؛ غریزه جنسی، از غرائز اصلی و نیرومند انسانی و عامل اصلی ارتباط مرد و زن است و از مهم ترین جنبه های شخصیتی است که بر بسیاری از ابعاد و زوایای زندگی آدمی و بر رفتار، گفتار و کردار او تأثیر می گذارد. این غریزه، در چگونگی شکل گیری شخصیت فردی، شاکله اجتماعی و نیز بر اندیشه، زبان و بر بنیادها و نهادهای اجتماعی تأثیرگذار است. از این رو، ارضاء، هدایت، تنظیم و تعدیل آن، لازم و ضروری است و چشم پوشی از این امور، اصل فرایند تربیت را، ناکارآمد، ناقص و بی ثمر می سازد.

## ۲- مفهوم شناسی

۲-۱- مفهوم تربیت جنسی: تعریف های فراوانی برای تربیت جنسی، مطرح شده است از جمله:

الف- مقصود از تربیت جنسی، این است که کودک را به گونه ای پرورانیم که هنگامی که به سن بلوغ رسید، حلال و حرام را در مسائل جنسی تشخیص دهد و به وظایف زناشویی و همسری آگاه باشد و از لابالیگری بپرهیزد و راه و رسم عفت اسلامی، خلق و خوی او باشد و در وادی شهوت، سرگردان نشود. (بهشتی، ۱۳۷۲، ص ۲۴)

ب- منظور از تربیت جنسی، این است که زمینه ها و عواملی که مربوط به مسائل جنسی است، طوری فراهم شود که استعدادهای شخصی در جهت رسیدن به کمال اختیاری فرد، شکوفا شود و او را برای رسیدن به کمال مطلوب، یاری نماید. (ثابت، ۱۳۸۱، ص ۲۱)

ج- تربیت جنسی، به کلیه اقداماتی اطلاق می شود که از دوران اولیه زندگی انسان در جهت رشد متعادل و مناسب انگیزه جنسی انجام شده و هدف آن، اطلاع رسانی جنسی، کمک به تکامل رفتارهای جنسی، اجرای وظایف جنسی، تداوم و بقای نسل و رسیدن به مودت، رحمت و آسایش در زندگی است. (رستمی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۱)

تعریف های پیش گفته، از ابهام برخوردارند. به نظر می رسد که تربیت جنسی، عبارت است از این که «فرد در دوره های رشد کودکی، نوجوانی و جوانی، به گونه ای پرورده شود و آموزش ببیند که با جنسیت خود آشنا گردد و آن را بپذیرد؛ قدر دان وجود خویش باشد و به آن افتخار کند؛ نقش مذکر یا مؤنث بودن از لحاظ اجتماعی را یاد بگیرد؛ احکام و آداب دینی در ارتباط با مسائل جنسی مربوط به خود و روابط با همجنس و جنس مخالف را فرا گیرد؛ آمادگی روانی برای ازدواج و تشکیل خانواده را پیدا کند؛ با مسائل مربوط به زندگی خانوادگی و روابط با همسر آشنا گردد و در سایه آن، به آرامش برسد و به گونه ای توانمند شود که عواطف و فعالیت های جنسی خویش را در جهت قرب الی الله و جلب خشنودی خداوند، به کار گیرد. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۲۰) لذا، تربیت جنسی تنها آموزش جنسی یا انتقال دانستنی های جنسی و یا پروردن و اوج دادن غریزه جنسی نیست و هرگز نمی توان تربیت جنسی را تنها به انتقال اطلاعات و آگاهی ها در ساحت مسائل جنسی یا فراهم آوردن زمینه رشد غریزه جنسی تعریف کرد. (شکوهی، ۱۳۶۸، ص ۱۸۳ و ۱۸۴)

۲-۲- مبانی تربیت جنسی: منظور از مبانی تربیت جنسی، ویژگی های طبیعی شناختی و گرایشی ای هستند که در انسان ها به صورت واقعی وجود دارند و منشأ و مبنای ادراکات، امیال، کشش ها، صفات و فعالیت های مربوط به جنس مذکر و مؤنث هستند. به عبارت دیگر، مبانی تربیت جنسی، همان هستی ها، قابلیت ها و ویژگی های انسانی است که خواسته ها و عملکردهای جنسی از آنها پدید می آیند. مبانی تربیت جنسی، با اهداف تربیت جنسی، هماهنگ است. آفریدگار، بر اساس حکمت خویش، هدف های ویژه ای برای بشر در نظر گرفته است و برای نیل بشر به آن اهداف، قابلیت ها و ویژگی های خاصی در ساختار آدمی سرشته است. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۳۱)

۲-۳- اصول تربیت جنسی: اصول تربیت جنسی، یعنی قواعد و دستورالعمل های نسبتاً کلی ای که پذیرفتن و به کار بستن آنها، فرد را برمی انگیزد تا در راستای هدف عالی قرب الهی، خواسته ها و فعالیت های جنسی خویش، همسر و فرزندان و متریبان را سامان دهد و در برآوردن نیازها و امیال جنسی، شیوه ای را پیش گیرد که او را به خدا نزدیک کند و خداوند را از او خشنود سازد. (همان، ص ۳۲)

۲-۴- رابطه مبانی و اصول تربیت: در متون دینی، مبانی، منشأ اصول اند و اصول، برگرفته شده از مبانی. قواعدی می توانند جزو اصول تربیت جنسی باشند که از مبانی و واقعیات عینی وجود انسان و آنچه در ارتباط با اوست، سرچشمه گرفته باشند. واقعیت خود انسان و ویژگی ها و ابعاد وجودی وی، حیات مادی و معنوی اش و ارتباط او با خدا و افراد دیگر و موجودات، همه، مبانی ای هستند که با تحلیل آنها، اصول، اکتشاف می شوند. هر کدام از جنبه های روانی، شناختی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، الهی و ... انسان، می تواند منشأ اصل یا اصول تربیتی جنسی باشد. (همان)

### ۳- موضوع تربیت جنسی

موضوع تربیت جنسی، در برگیرنده مسائل ریز و درشتی است که به بعضی از آنها اشاره می شود:

- ۱- نگرش والدین، نسبت به جنسیت خود و فرزندان؛
- ۲- شیوه برخورد متناسب والدین، با جنسیت فرزندان؛ از جمله: طرز لباس پوشاندن به آنها و مسئولیت هایی که به آنها واگذار می شود و...
- ۳- پاسخ دادن به سؤالات جنسی کودکان، در مورد تولید مثل، تفاوت های جنسی دختر و پسر و ... ؛
- ۴- رفتار والدین با یکدیگر؛
- ۵- نگرش والدین، نسبت به ازدواج و جنس مخالف؛
- ۶- آموزش حیا و فضایل اخلاقی؛
- ۷- به هنجارها و نابه هنجاری های جنسی؛
- ۸- اهمیت تقوا و پرهیز از بی بند و باری جنسی؛
- ۹- آگاه کردن فرزندان، نسبت به بیماری های مقاربتی مانند ایدز و ... ؛
- ۱۰- آموزش احکام شرعی، در مورد مسائل جنسی دوران بلوغ و ازدواج؛
- ۱۱- آگاه کردن فرزندان از تغییرات هنگام بلوغ؛
- ۱۲- آماده کردن نوجوانان و جوانان برای ازدواج و آشنا کردن آنها به وظایف همسرمداری و فرزندپروری؛
- ۱۳- آگاه کردن فرزندان، به طبیعی بودن نیاز جنسی و تمایل جنسی به جنس مخالف و موارد بسیار دیگری که در این بستر قرار می گیرند. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۲۱)

### ۴- ویژگی های تربیت جنسی، در اسلام

کند و کاو در ویژگی های تربیت جنسی در اسلام، جزیی از کل نظام تربیتی اسلام است. در اصل، آنچه درباره نظام تربیتی اسلام صدق می کند، درباره تربیت جنسی نیز صادق است. با وجود این، تربیت جنسی ویژگی هایی دارد؛ از جمله:



۴-۱- تربیت جنسی در اسلام، ربانی است: یعنی این جنبه از تربیت اسلامی نیز، آبشخور الهی دارد و مربی و متربی مکلف هستند به آن بپردازند. در این فرآیند تربیتی، مربی پیوسته در تلاش است تا به رفتار جنسی، رنگ عبادی بدهد و خشنودی خدا را نیز جلب کند.

۴-۲- تربیت جنسی در اسلام، انسانی است: چرا که در این نظام تربیتی، همواره بر کرامت و حرمت و قداست انسان تأکید می شود؛ بنابراین، افراد اجازه ندارند از سر شهوت، کرامت خود را زیر پا گذارند و انسایت خویش را، با خواسته ها و تمایلات فرومایه، آلوده سازند.

۴-۳- تربیت جنسی از نگاه اسلام، استمرار دارد: آنچه را خانواده و مدرسه می سازند، رسانه های گروهی باید تقویت کنند و در سایر مراکز آموزشی استمرار یابد. استمرار در تربیت جنسی، شرط پیروزی است و بدون آن، تربیت کامل محقق نمی شود.

۴-۴- واقع گرایی، ویژگی تربیت جنسی در اسلام است: اسلام در تربیت جنسی، به حقایق و گرایش های سرشتی انسان به امور جنسی توجه می کند و نسبت به این میل انسانی، رویکرد منفی ندارد و با پندارهای واهی، این حقیقت ذاتی آدم را سرپوش نمی گذارند و دگرگون جلوه نمی دهد و خواستار سرکوب آن نیستند.

۴-۵- تربیت جنسی در اسلام، گام به گام است: اصل دیگری که نظام تربیتی اسلام به آن توجه کرده است، اصل تدریج است؛ چیزی که لازمه طبیعی تربیت جنسی و همگانی با مراحل رشد متربی است. این اصل در تربیت جنسی، مبتنی بر نکات زیر است: الف- رعایت مراحل رشد جسمی و عقلی کودک و توجه به سطح ادراک او؛ ب- در نظر گرفتن جنسیت: رشد جنسی دختر با پسر فرق می کند؛ بنابراین، لازم است مربی، مسائل جنسی را زودتر به دختر بیاموزد؛ چرا که برای آموزش مسایل جنسی به پسر، فرصت بیشتری در اختیار دارد. کیفیت و کمیت آموزش جنسی، تابع رشد عقلی است که در دختران و پسران وجود دارد. (مدن، ۱۳۸۳، ص ۲۰۰)

## ۵- اهداف تربیت جنسی

در تعلیم و تربیت، هدف، به وضع سودمند و مطلوبی گفته می شود که لازم است برای تحقق آن، فعالیت های مناسب تربیتی انجام گیرد. هدف های تربیت جنسی از دیدگاه اسلام، به دو دسته هدف نهایی و اهداف واسطه ای تقسیم می شوند.

۵-۱- هدف نهایی: هدف نهایی تربیت جنسی، همان هدف نهایی تعلیم و تربیت دینی- یعنی قرب الی الله و وصول به کمالات شایسته و رضوان الهی- است. تربیت جنسی، زیر مجموعه نظام تعلیم و تربیت است؛ لذا همه مبانی، اصول، روش ها و فعالیت های مربوط به جنسیت زن و مرد، باید در راستای وضع مطلوبی باشند که همان خشنودی خداوند است. هر فرد، با قرار گرفتن در مسیر این هدف و با پرورش و تربیت بهینه استعدادها و جهت دادن به امکانات، خواسته ها و فعالیت هایش، درصدد به دست آوردن درجات و مراتبی از آن هدف بر می آید و آن کس که بتواند بین انگیزه ها، باورها و فعالیت های خود با آن اهداف، بیشترین هماهنگی را ایجاد نماید و در درجات مسابقه قرب الهی، از همه پیشی گیرد، مراتب بیشتری از آن قرب و رضوان الهی را به دست می آورد. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۲۵) پیداست تربیت و پرورش انسان در همه ساحت ها، به منظور تحقق همین اهداف است و به تربیت جنسی اختصاص ندارد.

۵-۲- اهداف واسطه ای: منظور از هدف های واسطه ای، وضعیت های مطلوبی هستند که واسطه و زمینه ساز نیل به هدف نهایی اند. این هدف ها، خود دو دسته اند: هدف های کلی و هدف های رفتاری. اهداف رفتاری، خود، زمینه تحقق و دستیابی هدف های کلی را فراهم و تسهیل می نمایند. (همان، ص ۲۶)

## الف- اهداف کلی تربیت جنسی

۱- فراهم کردن بستر مناسب، برای رشد سالم جنسی: نخستین هدف تربیت جنسی که از دوران کودکی یا حتی پیش از تولد، آغاز می شود، این است که رشد جنسی کودکان، به طور طبیعی و سالم پیش برود و از بروز ناهنجاری، بلوغ زودرس و ابتلا به انواع انحرافات جنسی، پیشگیری شود؛ بلکه کودک، در محیطی آرام و بدون فشار جنسی و التهاب غریزی، رشد کند و در

سنین نوجوانی بتواند بدون تحمل استرس ها، با ظهور امیال جنسی خود که بروز آنها در این مرحله رشدی، طبیعی و به هنجار است، به شکلی مطلوب مقابله کند و در سن جوانی، به حدی از رشد برسد که بتواند همسری مناسب و پدر یا مادری شایسته برای فرزندانش باشد. (همان)

۲- شناخت و انتظار درست از هویت جنسی خود: از جمله اهداف تربیت جنسی، پیدا کردن شناخت درست از هویت جنسی خویش است. تربیت، باعث می شود که فرد، شناخت و انتظار درستی از هویت جنسی خود پیدا کند که مطابق با توانایی های جنسی اش باشد. اگر این هدف، در مرحله کودکی و نوجوانی برآورده شود، چنین فردی در دوره جوانی و بزرگ سالی، به خوبی، وظایف خود را مناسب با جنسیتش برآورده می سازد و از تمایلات انحرافی به دور می ماند و غرایز طبیعی اش، به روشی سالم، ارضا خواهند شد. (همان، ص ۲۶ و ۲۷)

۳- ارضای صحیح و به هنجار غریزه جنسی: از جمله اهداف مهم تربیت جنسی، این است که زن و مرد بتوانند نیاز جنسی خود را که یک نیاز طبیعی است، به شیوه صحیح و به هنجار ارضا کنند. در دین اسلام - برخلاف برخی از ادیان -، میل جنسی و لزوم ارضای آن، نه تنها پست و رذالت آمیز معرفی نشده، بلکه امری پسندیده و مطلوب است؛ اما به شرطی که در چارچوب ازدواج زن و مرد - چه به صورت دائم و چه موقت - انجام شود و از شیوه های نابه هنجار ارضای این نیاز، پرهیز گردد. (همان، ص ۲۷)

۴- پیشگیری از انحرافات جنسی و ایجاد زمینه پاک دامنی در جامعه: از دیگر اهداف مهم تربیت جنسی از دیدگاه اسلام، حفظ افراد جامعه از انحراف و فساد و تباهی است که برای رسیدن به این مهم، اهداف دیگر تربیت جنسی، به نحوی سهیم هستند. جمله معروف «پیشگیری، بهتر از درمان است»، اگرچه معمولاً در مورد بیماری های جسمی گفته می شود، ولی در امور روانی نیز جریان دارد و شاید در امور جنسی، بیشترین تأثیر را داشته باشد؛ زیرا درمان افراد مبتلا به انحراف جنسی و برگرداندن آنها به حالت طبیعی، کاری بسیار دشوار است؛ چون برگرداندن هر معنادی از عادتش مشکل است. (همان، ص ۲۸)

۵- آماده سازی دختر و پسر، برای زندگی سالم خانوادگی: آموزش مسائل مختلف مربوط به غریزه جنسی و مسائل خانوادگی، زمینه ازدواج سالم همراه پیوند عمیق زوجین را فراهم می نماید. جوانی که قصد ازدواج دارد، باید بداند که چگونه محبت خود را ابراز کند و چگونه تمایل طرف مقابل را به خود جلب کند و در مواقع سخت و پیچیده، چگونه عمل کند. همچنین باید بداند چه مسائلی، سلامت زندگی خانوادگی را تضمین می کند و چه مسائلی، آن را متزلزل می سازد. از طرف دیگر، تربیت جنسی صحیح، از انحرافات جنسی زوجین و تزلزل پیوند خانوادگی، جلوگیری می کند و وقتی که زوجین قبل از ازدواج، از ارتکاب محرمات خودداری کنند، مسلماً اعتماد و اطمینان آنان به یکدیگر، بیشتر خواهد شد و همین امر، عامل مهمی در سلامت زندگی مقدس خانوادگی خواهد بود. به عبارت دیگر، آموزش ویژگی های روانی عاطفی جنس مخالف به دختر و پسر، آشنا کردن آنها با اصول ازدواج سالم و نشانگان ازدواج های غیرسالم، پرورش مهارت های برقراری رابطه صحیح زن و مرد پس از ازدواج، آنها را برای زندگی سالم جنسی همراه با آرامش روان، پاک دامنی و پرهیز از انحرافات جنسی، آماده می سازد. (همان، ص ۲۹)

## ب- اهداف میانی و رفتاری

۱- پاسخ متعادل به غریزه جنسی: از منظر دین مبین اسلام و دانشوران مسلمان، رفع نیاز جنسی باید به اعتدال باشد و از افراط و تفریط به دور و این مهم را، به عنوان هدف تربیت جنسی دانسته اند؛ زیرا، افراط در رفع نیاز جنسی، فروگذاری عقل و دین است و با هدایت، سعادت و کمال در تعارض جدی است. تفریط در آن نیز، خروج از حوزه اعتدال و عدل و کجروی در انجام سنت نبوی است و علاوه بر این، آنان که از ازدواج سرباز می زنند، در برقراری ارتباط اجتماعی ناتوانند (فیض کاشانی، ۱۳۹۹ق، ص ۶۳ و ۶۴) و تهذیب باطن هم، بدون ازدواج کردن ناقص می ماند. (فیض کاشانی، ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۶۵)

۲- بقا و حفاظت نسل: آدمی، به بقا و حفاظت نسل خویش تمایل جدی دارد و بدین سبب به ازدواج روی می آورد تا از این طریق، نسل او محفوظ بماند. بدیهی است در صورتی، این مهم محقق می گردد که انحراف جنسی در بین نباشد؛ آنچه ما را در

تحقق بقا و حفاظت نسل، یاری می‌رساند، تربیت جنسی است که با ساز و کار خود، ماهیت انحراف جنسی را تبیین و پیامدهای آن را آشکار می‌سازد و همه افراد را از کجروی جنسی باز می‌دارد. (همان، ص ۵۸) لذا، وجود فرزندان نامشروع، از آسیب‌های جدی و از چالش‌های بنیان برافکن جامعه است که بدون آموزش‌ها و راهکارهای دینی در ساحت مسائل جنسی، نمی‌توان حفاظت و ارتباط نسلی را پاس داشت. (فیض کاشانی، بی تا، ج ۳، ص ۱۹۰)

**۳- لذت و صفای زندگی:** از اهداف مهم تربیت جنسی، التذاذ جنسی و نیل به آسایش، آرامش و صفای زندگی است و دستیابی به این اهداف، مستلزم پیوند زناشویی مشروع و حلال است. چنانکه گفته شده: «لذت و صفای خانوادگی، یادآور لذت‌های بهیشتی است». (فیض کاشانی، ۱۳۹۹ق، ص ۶۳) بدیهی است اگر کانون خانواده، کانون صفا و مهر باشد؛ زن و شوهر، همه علاقه، عشق و احساس عاطفی خود را برای کانون قدسی خانواده ذخیره می‌کنند و به همه محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های التذاذ جنسی در بیرون خانه پایبند می‌مانند. تربیت جنسی به ما شیوه انتخاب همسر، همسررداری و چگونه زندگی کردن در خانه و خانواده را می‌آموزد.

**۴- ایجاد جامعه سالم:** تربیت جنسی، بستری است که با ایجاد جامعه سالم پیوند وثیق و عمیق دارد؛ زیرا، سلامت جامعه، بر اساس سلامت افراد شکل می‌گیرد و با توجه به این‌که غریزه جنسی، یک نیاز همگانی و فراگیر است، اگر مردمان در زمینه مسائل جنسی به درستی تربیت شده باشند، جامعه نیز سالم خواهد بود و چنانچه افراد، در این زمینه درست تربیت نشده باشند، بی‌تردید برای رفع نیاز جنسی خود به انحراف کشیده می‌شوند و خود و جامعه را به فساد و تباهی می‌کشند و موجب نابسامانی‌ها و چالش‌های فراوان می‌شوند. «آن‌گاه که شهوت جنسی چیره گردد و طغیان کند، جسم و جان، اندیشه، عقل و دل انسان را اسیر خود می‌سازد و بی‌تردید، افراد را به ارتکاب گناه وامی‌دارد؛ پس باید به راه درست تربیت جنسی که پیوند زناشویی است تن داد؛ و الا، در زمین، فتنه و فساد بزرگ پدید خواهد آمد.» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۶۴)

## ۶- مبانی تربیت جنسی

**۱-۶- وجود غریزه جنسی:** از مبانی مهم تربیت جنسی، وجود غریزه جنسی در نهاد انسانی است. از دیدگاه تمام روان‌شناسان و زیست‌شناسان، غریزه جنسی، جزء غریزه‌های مادی (فیزیولوژیک) و ثانویه انسان است؛ به این معنا که تمایل جنسی، یک تمایل طبیعی (ارگانیک) است که در آفرینش انسان، قرار داده شده است. این غریزه، به این دلیل ثانویه است که اگر چه مانند غرایز اولیه - مثل: تشنگی، گرسنگی و خواب-، عدم ارضای صحیح آنها، باعث مرگ انسان نمی‌شوند؛ اما به ایجاد اختلالات بی‌شماری در انسان می‌انجامند که به صورت‌های مختلف، خود را نشان می‌دهند. از قبیل بیماری‌های روانی مانند: وسواس و افسردگی؛ انحرافات جنسی مانند: استمنا و همجنس‌گرایی؛ یا اختلالات جنسی مانند: سردمزاجی، ناتوانی جنسی؛ بزهکاری و جنایت. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۳۸ و ۳۹)

اسلام، غریزه جنسی را، به عنوان یکی از نیازهای انسان به رسمیت می‌شناسد و آن را موهبتی الهی و امری فطری و طبیعی می‌داند و علاقه و تمایل باطنی زن و مرد به یکدیگر را، امری پسندیده و نیکو می‌داند که هیچ زشتی و پلیدی ندارد. (بهیشتی، ۱۳۸۵، ص ۹۳) «گرایش و تمایل باطنی زن و مرد به یکدیگر، آیت خدا، عطیة الهی، عامل بقاء نوع و نیز زمینه لذت بردن و کامجویی است». (فیض کاشانی، ۱۳۹۹ق، ص ۶۳) در مقابل، دیدگاهی که تمایل و علاقه جنسی را ذاتاً پلید و زشت و آمیزش مشروع جنسی را، حیوانیت و عامل انحطاط و سقوط می‌داند؛ چنین نگرشی، به معنای محکوم کردن جزئی از وجود آدمی است که در حیات خانوادگی تأثیر منفی دارد.

اصول مرتبط با مبنای اول، عبارتند از:

**۱-۱-۶- رشد احساس طبیعی بودن نیاز جنسی:** با توجه به این‌که غریزه جنسی، در طبیعت انسان سرشته شده است، احساس علاقه جنسی، نیاز به ارضاء و توجه به جنس مخالف نیز، باید طبیعی تلقی شود و به هیچ وجه احساس پلید و زشت دانسته نشود؛ بلکه جزو سنت پیامبر (ص)، خلق و خوی انبیاء و نشانه تدبیر حکیمانه پروردگار دانسته شود. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۸۷)



ص ۴۵) از نظر اسلام، روابط جنسی را فقط مصالح اجتماعی حاضر یا نسل آینده محدود می کند و در این زمینه، تدابیری اتخاذ کرده است که به احساس محرومیت و ناکامی و سرکوب شدن این گزینه نینجامد. (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۱۷)  
از نظر اسلام، علاقه جنسی، نه تنها با معنویت و روحانیت منافات ندارد؛ بلکه جزو خوی و خلق انبیاست. در حدیثی می خوانیم: «مِنْ أَخْلَقِ الْأَنْبِيَاءِ حُبُّ النِّسَاءِ». رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) طبق آثار و روایات فراوانی که رسیده است، محبت و علاقه خود را به زن، در کمال صراحت اظهار می کرده اند. (همان، ص ۱۲)

۱-۲-۶- لازم دانستن ارضای نیاز جنسی: با توجه به وجود گزینه جنسی و طبیعی بودن تمایل و علاقه جنسی، باید ارضای این نیاز را لازم بدانیم و نه تنها از ظهور آن در سطح هوشیاری، جلوگیری نکنیم؛ بلکه در صدد فراهم سازی شرایط ارضای آن نیز برآییم؛ زیرا سرکوب کردن گزینه جنسی، بیماری های روانی و انحرافات جنسی را به دنبال دارد. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۴۸)  
از دیدگاه اسلامی، هر انسانی، جیره خاصی از نیازهای طبیعی دارد که بدون ارضای کمترین آن، یا می میرد یا دچار اختلال می شود. از این روست که اسلام، انسان ها را از ریاضت کشیدن و دوری از ارضای نیازها نهی می کند؛ چرا که خلاف طبیعت بشری است. اسلام، تمام دستورها و احکامش هماهنگ با فطرت و طبیعت آدمی است و برای ارضای نیازها -از جمله نیاز جنسی-، افراد را به حد اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط، هدایت می نماید و در زمینه ارضای جنسی نیز، در برابر عبادت پروردگار، نه تنها تشویق به عبادت افراطی نمی کند؛ بلکه نهی می کند و به ارضای نیازهای جنسی تشویق می کند. (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۱۳ و ۱۴)

۱-۳-۶- روابط جنسی در قالب ازدواج: هر چند دو اصل گذشته و طبیعی تلقی کردن گزینه جنسی، بر لزوم ارضای آن تأکید داشتند؛ اما، مهم این است که این گزینه نباید به هر شیوه ای ارضا شود؛ زیرا با توجه به ساختار و جنبه های مرتبط با گزینه جنسی و آثار روانی و بقای نسل که بر آن مترتب است، ارضای این گزینه، فقط از طریق ازدواج زن و مرد باید باشد و صورت های دیگر ارضا، مثل خود ارضایی، همجنس بازی، روابط جنسی آزاد و ... طبیعی نیستند. این امر، در تربیت جنسی باید مورد توجه مربیان قرار گیرد. در نظام تربیت جنسی از دیدگاه اسلام- که مبتنی بر مبانی فطری طبیعی است-، روش های دیگر ارضا، همه، انحراف جنسی تلقی شده اند و تأکید شده که پرورش افراد باید به گونه ای باشد که راه طبیعی ارضا را برگزینند تا به بیماری های روانی و انحرافات جنسی دچار نشوند و از آثار مطلوب روانی، اخلاقی و اجتماعی آن برخوردار گردند. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۵۳) خداوند حکیم و رؤوف چون می داند انسان در برابر گزینه جنسی ضعیف و ناتوان است و در برابر تمایلات جنسی استواری ندارد، تسهیلاتی چون ازدواج دائم و موقت برای آن قرار داده است. (فیض کاشانی، بی تا، ج ۱، ص ۴۴۲) ازدواج، با نیاز جنسی، علاقه باطنی زن و مرد، با ساختار بدنی و تجهیزات جسمانی و با میل فطری انسان به بقای نسل، هماهنگ و سازگار است و آدمی را از گناه و انحراف مصون می دارد و در سلامت جسم و جان او تأثیر می گذارد. (فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۵۹) پس باید گفت که ازدواج، تنها راه صحیح و مورد قبول برای ارضای نیاز جنسی است به این دلیل که: علاوه بر نیاز جنسی، برخی دیگر از نیازهای انسان را که غالباً در ارتباط های بدون ازدواج، برطرف نمی شوند، ارضا می کند؛ مانند نیاز انسان به خوش بختی، انس و الفت، احترام و معاشرت نیکو، اعتماد به یکدیگر و ... (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۵۴)

۱-۴-۶- پرهیز از افراط و تفریط در ارضای گزینه جنسی: در کنار ارضای طبیعی گزینه جنسی و پرهیز از سرکوب آن، از ارضای افراطی این گزینه نیز باید دوری کرد. همان طور که انسان نباید به این دلیل که خواب، یک نیاز طبیعی و مشروع است، بیشتر وقت خود را بخوابد؛ در مورد گزینه جنسی هم، امر، به همین نحو است. مقتضای طبیعت آدمی، اعتدال و میانه روی در همه امور و از جمله، در ارضای گزینه جنسی است. (همان، ص ۵۵) گزینه جنسی، یکی از غرایز نیرومند و حساس انسان می باشد. این گزینه برای انسان، زندگی ساز است و در حیات روانی و جسمانی او تأثیرات خوب یا بدی خواهد داشت. بسیاری از اعمال و رفتار و حتی بیماری های جسمانی و روانی انسان، از این گزینه مایه می گیرد. اگر پرورش عاقلانه و درستی داشته باشد، زندگی را قرین خوشی و آسایش می گرداند و اگر در طریق افراط یا تفریط واقع شود، ممکن است صدها ضایعه جسمانی و روانی به دنبال بیاورد و زندگی دنیا و آخرت انسان را خراب کند. (امینی، ۱۳۶۸، ص ۱۰ و ۱۱)



۲-۶- تمایل به معنویت و فضیلت دوستی: از جمله مبانی تربیت جنسی، تمایل فطری به معنویت است که هر فردی از افراد بشر- چه زن و چه مرد-، آن را در وجودش احساس می کند. بر این اساس است که انسان، به سوی خدا و کمالات اخلاقی، گرایش پیدا می کند و در این مسیر، توانمندی های دیگری را نیز به کار می گیرد. از جمله این توانمندی ها، ساختار جنسی زن و مرد است که جنبه های روانی، عاطفی و معنوی آن، زمینه شکوفایی این تمایل فطری را در آنها تقویت می کند و فرد را از خودخواهی، به دیگرخواهی، ایثار و فداکاری برای دیگری می کشاند. به همین جهت است که هدف غایی و نهایی تربیت جنسی، تحقق بخشیدن به هویت معنوی انسانی و پرورش کمالات اخلاقی است که هویتی خداگونه است و مآل آن، قرب الی الله است. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۵۸)

اصول مرتبط با مبنای دوم، عبارتند از:

۱-۲-۶- اصل عفت و خویشنداری: از جمله اموری که انسان را از فضیلت و معنویت دور می سازد، ناخویشنداری در غریزه جنسی است. همان گونه که پیش از این بیان شد، آزادی جنسی و ارضای بی قید و شرط غریزه جنسی، آثاری نامطلوب برای فرد و بشر دارد. از این رو، خداوند متعال، ضوابطی را برای آن مشخص فرموده و موارد جواز و عدم آن را اعلام کرده است. موارد عدم جواز، همان چیزهایی هستند که از آنها به حرام جنسی تعبیر می شود. ارضای شهوت در این قلمرو ممنوع، موجب سقوط انسان و دوری وی از فضیلت و معنویت می گردد. (همان، ص ۶۰)

۲-۲-۶- اصل ازدواج: ارضای آزادانه غریزه جنسی، موجب کشیده شدن انسان، به گمراهی و تباهی و دوری از فضیلت و معنویت می گردد. بهترین راه برای ایمنی از این پیامدهای منفی، ازدواج کردن است. (همان، ص ۶۱)

ازدواج کردن، راهی به سوی حفظ دیانت و تکمیل معنویت و فضیلت است و در غیر این صورت، بُعد معنوی انسان، پرورش نمی یابد و به فضیلت و تکامل، دست پیدا نمی کند. نکته قابل تأمل، این است که نه تنها در روایات، بر نقش ازدواج در تکامل معنوی و کسب فضیلت تأکید شده، بلکه برای همکاری در زمینه تمام اعمال و حرکات عاشقانه و محبت آمیز و حتی روابط جنسی زوجین، تشویق به عمل آمده و برای آن، اجر و پاداش در نظر گرفته شده که خود می تواند عاملی برای تکامل معنوی باشد. علت در نظر گرفتن پاداش برای عملی که لذت مادی دارد، به دلایل ذیل است:

یک- وجود روابطی عاشقانه و صمیمی بین زوجین، آنها را از انجام دادن کارهای حرام، باز می دارد؛

دو- محبت کردن به دیگری، خود، نوعی کمال است؛ زیرا، لازمه آن، خارج شدن از لاک خودخواهی و دیدن دیگران است؛

سه- داشتن روابط خوب و صمیمی با همسر، برای انسان، نوعی فراغت بال و آسودگی خیال به ارمغان می آورد که در سایه آن، انسان، با آرامش بیشتری می تواند به عبادت و تعلم و خدمت به جامعه بپردازد؛

چهار- داشتن محبت و روابط صمیمی، باعث پرورش صفات پسندیده در زوجین است؛ مثل عفت، حیا، عدم تمایل به ارتباط با نامحرم و... (همان، ص ۶۳)

۳-۲-۶- اصل لزوم انتخاب همسر شایسته و دیندار: مبنا قرار دادن تمایل به معنویت، به این است که آنچه برای رسیدن به این میل فطری مؤثر است، به کار گرفته شود و گذشته از عفت و ازدواج، انتخاب همسر شایسته برای زندگی، در به فعلیت رساندن آن میل معنوی، تأثیر فراوانی دارد. بنابراین، فرد نباید هرکسی را با هر شرایطی، به همسری خود برگزیند؛ بلکه لازم است که شایستگی اخلاقی و عملکردی او را مد نظر داشته باشد. (همان، ص ۶۶)

۴-۲-۶- اصل لزوم همکاری معنوی: اصل دیگر تربیتی که از مبنای تمایل به معنویت در روند تربیت جنسی باید به کار گرفت، این است که بنای زوجین در زندگی، باید بر همکاری زوجین برای نیل به کمال معنوی باشد. (همان، ص ۶۸)

در این زمینه، دستورهایی از پیامبر (ص) و ائمه (ع) رسیده که لازم است زن و شوهر، یکدیگر را در امور معنوی یاری رسانند. پیامبر (ص) می فرماید: إِذَا أَيْقَطَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ مِنَ اللَّيْلِ وَتَوَضَّأَ وَصَلَّى كُنَّا مِنَ الدَّاكِرِينَ اللَّهُ كَثِيرًا وَ الدَّاكِرَاتِ. (الحرّ العاملي، ۱۳۹۳ ق، ج ۷، ص ۱۵۸) هرگاه مردی همسرش را هنگام شب بیدار کند و نماز شب بخواند، در زمره مردان و زنانی هستند که بسیار یاد خدا می کنند.

بنابراین، از بهترین مواردی که مؤمن می تواند از آن بهره مند گردد و سعادت خویش را رقم بزند، بعد از تقوا، زن شایسته است و وجود چنین زنی، زمینه رشد معنوی را فراهم می سازد. در این گونه احادیث، یک نکته تربیتی مهم نهفته است و آن این که والدین در تربیت معنوی دختران خود، باید همت و تلاش دو چندان داشته باشند؛ زیرا شایسته بودن زن، شایستگی جامعه را تضمین می کند و فساد او، باعث فساد جامعه می گردد. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۷۱)

۳-۶- نیاز انسان به همدم: خداوند متعال، زن و مرد را طوری آفرید که مونس یکدیگر باشند و مرد در کنار زن، و زن در کنار مرد، احساس انس کنند و از وحشت تنهایی، رهایی یابند؛ تنهایی ای که جز با کنار هم بودن زن و مرد، از بین نمی رود. جالب این که علی رغم این که هدف طبیعی غریزه جنسی، تداوم نسل است، اما در این دو حدیث، این گونه تبیین می شود که علاقه زن به مرد به یکدیگر، صرفاً به دلیل تأمین غریزه جنسی نیست؛ بلکه برای داشتن یک همدم است که در کنار او، احساس آرامش و انس کند. (همان، ص ۷۲)

اصول مرتبط با مبنای سوم، عبارتند از:

۱-۳-۶- پرورش نگرش انسی به جنس مخالف: از جمله اصول تربیتی ای که باعث رشد و شکوفایی تمایل طبیعی آدمی در قلمرو نیاز به انس و همدم می شود، رشد نگرش انسی به جنس مخالف در هر زن و مرد است؛ یعنی آنها باید بدانند که برای انس با یکدیگر پدید آمده اند و در ارتباط با هم به آرامش می رسند. از این رو، لازم است که در خودشان، نگرش مثبت و مطلوب را نسبت به همدیگر، تقویت نمایند. (همان، ص ۷۴)

۲-۳-۶- توجه به تجانس روحی در همسر یابی: از جمله اصول تربیت جنسی که از مبنای نیاز به انس و انیس، قابل کشف است، این است که در همسریابی، هر یک از زن و مرد باید به جنس مخالفی توجه نماید که از نظر روانی، شخصیتی، فرهنگی، اخلاقی و شئون اجتماعی، متجانس با وی باشد؛ زیرا به صورت طبیعی، با چنین فردی، بهتر می تواند انس بگیرد. (همان، ص ۷۵)

توجه به همانندی زن و شوهر در شخصیت و ویژگی های روانی، اخلاقی، فکری و معنوی شان، از جمله اموری است که در احادیث زیادی، مورد تأکید قرار گرفته است. احادیث مربوط به کفو بودن، همفکر بودن و رضایت اخلاقی از جنس مخالف داشتن، توصیه به این اصل تربیتی است. (همان، ص ۷۷)

۳-۳-۶- اصل ازدواج بر اساس خواست دختر و پسر: سومین اصل بر مبنای نیاز انسان به انس، این است که ازدواج، بر اساس تمایل و خواسته خود دختر و پسر باشد. از آن جا که هر دختر و پسر، با توجه به ویژگی های روانی اش با دیگری انس می گیرد، میل، احساس و خواست او، اصل مهم در انتخاب همسرش است و نباید والدین و یا افراد دیگر، خواست و احساس خود را بر او تحمیل کنند. (همان، ص ۷۸)

۴-۶- زیبا دوستی: آدمی با علم حضوری، تمایل و گرایش فطری و طبیعی خود را به زیبایی درک می کند. روان شناسان نیز، زیبادوستی انسان را امری سرشتی می دانند و در متون دینی، ضمن پرداختن به زیبایی های ظاهری و معنوی، بر توجه به زیبایی های طبیعی خود و دیگران در برقراری ارتباط و معاشرت با آنها تأکید شده است. (همان، ص ۷۹)

اصول مرتبط با مبنای چهارم، عبارتند از:

۱-۴-۶- اصل توجه به زیبایی های خویش: از آن جهت که زیبادوستی، یک استعداد و تمایل فطری و طبیعی است که خداوند حکیم، آن را در وجود بشر سرشته است و فعل خدا هم بدون هدف نیست، باید این تمایل و استعداد، پرورش یابد و با جهت دهی آن به سوی اهداف در نظر گرفته شده آفرینش، رشد پیدا کند. شناسایی و توجه هر یک از دختر و پسر به زیبایی های گوناگون جسمی و روانی خود و شناخت زیبایی و هنرمندی خدا در خویشتن، شناخت نشانه ای از زیبایی های خلقت پروردگار است که هر انسانی می باید از آن بهره مند باشد. (همان، ص ۸۱)

با اجرای این اصل و شناسایی زیبایی های هر یک از دختر و پسر در خویش، فرد، نسبت به خود، نگرش مثبت پیدا می کند؛ اعتماد به نفسش بالا می رود؛ احساس ارزشمندی می نماید و

در ارتباط با دیگران، احساس کمبود نمی‌کند. از این رو، نسبت به بسیاری از انحرافات - از جمله انحراف جنسی - مصونیت می‌یابد؛ مرتکب رفتارهای نا به هنجار جنسی نمی‌شود و از آراستن‌های افراطی پرهیز می‌نماید. (همان، ص ۸۲)

۲-۴-۶- اصل پرهیز از تبرج: زیبایی‌ها موجب جاذبه میان انسان‌ها می‌شوند و روند ارتباط را تسهیل می‌کنند و می‌توانند شهوت جنسی را برانگیزند و موجب ارتباط جنسی نیز شوند. از این رو، در مواردی که روابط جنسی منع شده‌اند، باید از خودآرایی و نمایان ساختن زیبایی‌های خود پرهیز نمود. این امر، به عفت و خویشتنداری جنسی جوانان، کمک شایانی می‌نماید و از تحریکات نا به جای جنسی آنها جلوگیری می‌کند. بسیاری از آموزه‌های دین در قلمرو تربیت جنسی، بر همین اصل استوار است. (همان، ص ۸۳)

۳-۴-۶- اصل توجه زوجین به زیباییهای یکدیگر: از جمله اصول تربیت جنسی که زیبادوستی فطری، مبنای آن است، توجه زوجین به مجموعه زیبایی‌های جسمی و روانی یکدیگر است. توجه همسران به زیبایی‌های یکدیگر، علاوه بر این که موجب کشف نشانه‌هایی از هنرمندی، زیبا آفرینی و حکمت خداوند متعال است و رابطه آن دو را با خداوند، قوی‌تر می‌سازد و زمینه نزدیکی بیشتر به پروردگار و کمال معنوی را در آنها فراهم می‌سازد، در لذت بردن از یکدیگر، افزایش محبت بین آنها، احساس انس و الفت با هم، رضایت از همدیگر و آرامش و خوشبختی آنها موثر است. (همان، ص ۸۵) حصول میل و علاقه متقابل و برطرف شدن نیازهای جنسی، مبتنی بر احساس زیبایی زن و مرد نسبت به یکدیگر است. (سالاری فر، ۱۳۹۱، ص ۳۸)

۵-۶- نیاز به محبت: تمایل آدمی به محبت کردن و مورد محبت دیگران قرار گرفتن، گرایشی فطری است که هر فردی، آن را در خود می‌یابد و تا فرد، از فطرت و طبیعت خود بیگانه نگردد؛ این ویژگی، در وجودش با علم حضوری، احساس می‌شود. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۸۹) هر فردی، هم به ارتباط و تعامل با دیگران نیازمند است و هم به محبت کردن و مورد محبت واقع شدن. (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۸)

مزلو، نیاز به محبت و عشق را، در سلسله نیازها، پس از نیازهای فیزیولوژیک (جسمی) و نیاز به امنیت، مطرح کرده و معتقد است که در امر تربیت، باید به آن پرداخت؛ وگرنه، عدم ارضای آن، دو نتیجه در پی خواهد داشت: یک- فرد، همواره در جستجوی راهی برای تأمین این نیاز خواهد بود؛ دو- قادر به دوست داشتن و ابراز دوستی به دیگران نخواهد بود. (هارلد مزلو، ۱۳۷۲، ص ۷۹)

این دو نتیجه در امر تربیت، بسیار اهمیت پیدا می‌کنند:

نتیجه اول: این هشدار را به والدین می‌دهد که: اگر نیاز به محبت کودکان را به نحو مطلوبی ارضا نکنند، او به کوچک‌ترین ابراز محبتی، پاسخ مثبت می‌دهد و چه بسا دچار روابط نامشروع و انحرافات جنسی شود.

نتیجه دوم: این پیام را می‌دهد که افرادی که نیازهای آنها به محبت ارضا نشود، در بزرگ‌سالی و در زندگی زناشویی، توان ابراز محبت به همسر و فرزندان خود را نخواهند داشت؛ زیرا مهرورزی و محبت، اگرچه غریزی است؛ اما رفتار مرتبط با آن، اکتسابی و آموختنی است. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۹۱)

اصول مرتبط با مبنای پنجم، عبارتند از:

۱-۵-۶- پیشگیری از محبت جنسی زود هنگام: برای پاسخ دادن به نیاز طبیعی محبت و پیشگیری از روابط جنسی محبتی قبل از ازدواج، باید والدین با مهرورزی به کودکان و نوجوانان و زمینه‌سازی برای محبت کردن آنان به دیگران، در جهت رشد مطلوب این خواسته طبیعی اقدام کنند و زمینه احساس کمبود محبت را از بین ببرند؛ تا مبدا فرزندانشان برای جبران آن، به روابط جنسی زودهنگام و یا انحرافی روی آورند. (همان، ص ۹۲)

۲-۵-۶- اصل لزوم تبلور محبت در روابط زوجین: اقتضای نیاز طبیعی و فطری آدمی به دوست داشتن و دوست داشته شدن، این است که در همه مراحل رشد و زندگی، به آن توجه شود و به مقتضای موقعیت رشدی در دوره‌های مختلف، به گونه‌ای، آن نیاز، ارضا گردد. چنین نیست که ارضای نیاز به محبت در دوره کودکی از سوی والدین، نیاز محبتی کودک و نوجوان را

نسبت به دوستان، همسالان و ... نیز ارضا کند و دیگر کودک و نوجوان ارضا شده از سوی محبت والدین، نیازی به محبت دیگران نداشته باشد. درست است که ارضای سلسله نیازها در دوره کودکی، باعث می شود که کودک، شخصیت به هنجاری پیدا کند و نسبت به محرومیت این نیاز در بزرگ سالی، تحمل بیشتری از خود نشان دهد. اما باید توجه داشت که نیاز به محبت، اختصاص به دوره کودکی ندارد؛ بلکه در همه مقاطع رشدی، این نیاز وجود دارد و باید به تناسب دوره، سن، ضوابط اجتماعی و تمایلات فردی، ارضا گردد. (همان، ص ۹۳) از دیدگاه قرآن کریم، علاقه زن و مرد به یکدیگر، از بنیادهای رفیعی است که خداوند آن را بر پایه مودت و رحمت استوار کرده و آرامش و آسایش و سکونت زن و مرد را به ازدواج پیوند داده است. (فیض کاشانی، بی تا، ج ۴، ص ۱۲۹)

### نتیجه گیری

۱- یکی از زیربنایی ترین اصل های تربیت جنسی در اسلام، میل انسان به معنویت است و افراد باید به گونه ای تربیت شوند که بعد معنوی آنان در جریان تربیت جنسی، تقویت شود و غریزه جنسی، ابزاری در جهت شکوفایی آن مبنای تمایل به معنویت قرار گیرد.

۲- مهم ترین هدف تربیت جنسی که از زمان کودکی آغاز می شود، این است که: زن و مردی را تربیت کنیم که بتوانند با غرایز جنسی خود، به شیوه ای صحیح و مطلوب برخورد کنند؛ نه آن را سرکوب سازند و نه به بی بند و باری و انحراف و فحشا کشیده شوند و در نهایت، زن و مرد بتوانند به یاری هم، کانونی فراهم سازند که هم سلامت روانی خودشان را به دست آورند و هم در مناسبات اجتماعی، سلامت جامعه تأمین شود.

۳- در تربیت جنسی- همانند کلّ تعلیم و تربیت-، به ارائه یک بینش کلی حاکم بر همه رفتارها و بایدها و نبایدهای آموزشی و تربیتی، نیاز است؛ به گونه ای که بین آنها، نوعی ارتباط، انسجام، نظم و هماهنگی ایجاد کند.

۴- بشر با همه پیشرفت خود در علوم، صنایع و فناوری، گرفتار بحران ها و نا به سامانی های فراوانی در زمینه تعلیم و تربیت و بویژه در آموزش و تربیت جنسی است. نداشتن جهان بینی درست و فقدان نظام تربیتی مبتنی بر مبنای نظری و حیانی و داشتن دید صرفاً مادی (فیزیولوژیک) به تربیت جنسی و غفلت از جنبه های روانی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی آن، باعث شده است که بشر در این بحران، همچنان غوطه ور باشد و نه تنها پیشرفت نکند؛ بلکه در مراحل، تنزل نیز یابد.

۵- روشننگری موضوع امور جنسی در جنبه های مختلف، باعث پیشگیری از آسیب های اجتماعی است که در این راستا، آموزش و اطلاع رسانی به نوجوانان، توجیه ضرورت طرح مسائل جنسی توسط والدین، افزایش آگاهی والدین از طریق کلاسهای آموزش خانواده و همچنین ارتقاء علمی مربیان و اولیای آموزشگاه ها- با هدف آموزش امور جنسی نوجوانان- از امور لازم است.

۶- در نظام تربیت جنسی در اسلام، به همه ابعاد این موضوع- از بهداشت جنسی گرفته تا چگونگی تحکیم روابط زن و مرد در خانواده- پرداخته شده است و با بهره گیری درست از این نظام و تدوین برنامه های درسی و آموزشی مناسب بر مبنای آن، می توان نظام تربیت جنسی کارآمدی را که پاسخگوی نیازهای جامعه بوده و در تعالی و تکامل آن نقش داشته باشد را به دست آورد.

### منابع و ماخذ

- ۱- احمدی، محمد رضا، ۱۳۸۶، روابط دختر و پسر، چاپ چهارم، قم، انتشارات معارف.
- ۲- امینی، ابراهیم، ۱۳۶۸، آیین تربیت، تهران، انتشارات اسلامی.
- ۳- بهشتی، احمد، ۱۳۷۲، اسلام و تربیت کودکان، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۴- بهشتی، محمد، تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی، مجله تربیت اسلامی، سال دوم، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، صص ۸۹-۱۱۴.
- ۵- ثابت، حافظ، ۱۳۸۱، تربیت جنسی در اسلام، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۶- الحر العاملی، محمد بن الحسن، ۱۳۹۳ق، وسائل الشیعه، تهران، المكتبة الاسلامیه.



- ۷- دوابی، مهدی و بنی سی، پری ناز، تربیت جنسی در اسلام، خلاصه مقالات دومین کنگره سراسری خانواده و مشکلات جنسی، آذرماه ۱۳۸۴، تهران، دانشگاه شاهد.
- ۸- رستمی، مهتاب و همکاران، بررسی دیدگاه دانشجویان درباره چگونگی افزایش آگاهی جنسی جوانان دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه، دومین کنگره خانواده و مشکلات جنسی، ۱۳۸۴، تهران، دانشگاه شاهد.
- ۹- سالاری فر، محمدرضا، ۱۳۹۱، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۰- شکوهی، غلامحسین، ۱۳۶۸، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ۱۱- فقیهی، علی نقی، ۱۳۸۷، تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش ها از منظر قرآن و حدیث، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- ۱۲- فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۳۸۳ق، المحجة البيضاء، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۱۳- فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۳۹۹ق، الحقایق فی محاسن الاخلاق، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۱۴- فیض کاشانی، ملا محسن، بی تا، تفسیر الصافی، بیروت، مؤسسه اعلمی.
- ۱۵- مدن، یوسف، تربیت جنسی در اسلام، ترجمه بهروز رفیعی، مجله پژوهش های تربیت اسلامی، شماره ۸، پاییز ۱۳۸۳، صص ۱۸۳-۲۱۸.
- ۱۶- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران، انتشارات صدرا.
- ۱۷- هارلد مزلو، آبراهام، ۱۳۷۲ش، انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی.

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه

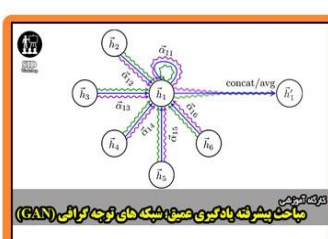


فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین مقاله نویسی IEEE و ISI ویژه فنی و مهندسی